

باقافله عدل

یادنامه استاد دکتر ناصر کا توزیان

فهرست

پیش درآمدها

- پیام ریاست دانشگاه تبریز/ دکتر محمدرضا پور محمدی
- آغاز سخن/ دکتر ابراهیم شعاریان
- سپاس نامه

بخش اول- زندگی نامه و روز شمار زندگی استاد

- ۱- شصت سال زندگی با سردار عدالت/ اقدس کاتوزیان
- ۲- زندگی نامه استاد/ دکتر واحد زمانی
- ۳- روزشمار زندگی استاد

بخش دوم- مقدمه ها و پیشگفتارهای استاد

- ۱- گامی به سوی عدالت
- ۲- عدالت قضایی
- ۳- پژوهش در خدمت عدالت
- ۴- نظریه های حقوقی در خدمت عدالت
- ۵- توجیه و نقد رویه قضایی
- ۶- قواعد عمومی قراردادها
- ۷- استقلال کانون وکلا
- ۸- مبانی حقوق عمومی

بخش سوم - مصاحبه‌های استاد

- ۱- محمد حسین ساکت
- ۲- نشریه کانون وکلای دادگستری آذربایجان شرقی
- ۳- خیرگزاری مهر

بخش چهارم - آثار استاد

- ۱- کتب
- ۲- مقالات

بخش پنجم - مقالات اهدایی به استاد

- تحلیلی بر سیر تحولات قانونی خسارت
- تاخیر تادیه در تعهدات مالی پولی
- اختلاف مثبت در صلاحیت مراجع رسیدگی به دعاوی
- لایحه تجارت در بوتۀ نقد
- انتقال دین
- اصل تغییرناپذیری دعوا پس از طرح آن
- تعیین قانون حاکم بر سهام بی‌نام
- بررسی تحلیلی مجازات کیش گردانی فرد مسلمان
- احسان و مسئولیت مدنی: مطالعه تطبیقی در حقوق ایران و آمریکا
- نقش ویژگیها و کاربردهای اسناد در توثیق تجاری آنها
- بررسی تحلیلی همسان سازی انسان
- سلامت و بهداشت مسافران هوایی و حمایت از حقوق مسافران و دست اندرکاران این صنعت
- نظریه‌های اتمی و مولکولی در مسئولیت مدنی
- نقش حقوق قراردادها در تحقق عدالت اجتماعی
- بررسی و تحلیل تبصره ماده ۴۷ قانون اجرای احکام مدنی
- نگین عدالت در حق حیات انسانی

اعمال حقوق بازرگانی فراملی در داوری‌های تجاری بین‌المللی
روش تفسیر لفظی در فهم دلالت و مدلول الفاظ ترکیبی
پیشگیری از بزهکاری از دیدگاه حضرت علی (ع): اصول و راهکارها
اعلامیه جهانی حقوق بشر: سیمرغ بلورین نظام حقوق بین‌الملل
آرمانگرای واقع‌بین همزیستی «ارزش» و «واقع» در اندیشه حقوقی دکتر کاتوزیان
بررسی لزوم اندراج شرط ضمن عقد لازم و آثار شرط ضمن عقد جایز در فقه و حقوق ایران
خسارت ناشی از قرارداد جایگزین و مفاهیم مشابه
تقسیم مسئولیت و تأثیر تقصیر عمدی یا سنگین در شرط عدم مسئولیت
بررسی امکان «اختیار تقلیل ثمن» در حقوق ایران
تحلیل حقوقی ماده ۱۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران: ماهیت حقوقی گروه
اقتصادی با منافع مشترک و مسئولیت اعضای گروه نسبت به دیون گروه
وضعیت حقوقی توافق راجع به تغییر مهرالمسمی
مشارکت عمومی و خصوصی در توسعه زیر ساخت‌ها از دیدگاه حقوق موضوعه ایران
بررسی جرم انگاری استفاده غیر مجاز از عناوین علمی در حقوق کیفری ایران
مسئولیت کیفری اطفال و نوجوانان در آئینه قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ ایران
نقد نظریه متعهد بودن وکیل به اجرای موضوع وکالت
اثر عقد ضمان در حقوق موضوعه ایران و فقه اسلامی؛
اصول حاکم بر تفسیر قراردادهای بین‌المللی و فراملی
نگرشی بر روش‌های معمول حل اختلافات در موافقت نامه‌های دو جانبه تشویق و حمایت از
سرمایه‌گذارهای خارجی ایران
نقش وکیل دادگستری در حقوق امروز
جایگاه اصل عدالت در اجتهاد شیعی
استفاده از عامل زمان در طراحی نظام‌های انتخاباتی
نگرشی بر الگوی نظام دوحزبی و زمینه‌های اعمال آن در سپهر سیاسی - حقوقی جمهوری اسلامی
ایران
زیان بدنی در گذشتگان
فلسفه حقوق چیست؟

اعلامیه جهانی حقوق بشر یا «اعلامیه حقوق بشر جهانی».....

بخش ششم - استاد به روایت دیگران

- ۱- مهندس بهزاد کاتوزیان/ پدرم از نگاه من
- ۲- دکتر سید مصطفی محقق داماد/ کاتوزیان جمع بین علم و عمل
- ۳- دکتر مهدی محقق/ اسوه شرافت، مناعت طبع و آزادگی
- ۴- دکتر هدایت الله فلسفی/ در حق، با حق، برای حق
- ۵- دکتر مصطفی معین/ وداع با استاد مظلوم و ظلم ستیز دانشگاه
- ۶- دکتر الهام امین زاده/ نگاهی به تأثیر دکتر ناصر کاتوزیان بر نظام حقوقی ایران
- ۷- دکتر محسن محبی/ کاتوزیان در دفتر ایام من
- ۸- دکتر بهروز اخلاقی/ ما از شاگردان مکتب آقا بودیم
- ۹- دکتر نجاد علی الماسی/ سخت کوشی استاد
- ۱۰- دکتر امیر حسین آبادی/ دانشگاه مال پدر کسی نیست
- ۱۱- دکتر کمال الدین هریسی نژاد/ به یاد استاد
- ۱۲- دکتر حسن فرهودی نیا/ در رثای استاد
- ۱۳- دکتر حسین فخر/ مظهر آزادگی و عدالت خواهی

بخش هفتم - پیامها در سوگ استاد

- ۱- دکتر حسن روحانی/ رئیس جمهور
- ۲- آیت الله هاشمی رفسنجانی/ رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۳- دکتر علی لاریجانی/ رئیس مجلس شورای اسلامی
- ۴- دکتر محمد علی نجفی/ سرپرست وزارت علوم، تحقیقات و فناوری
- ۵- مصطفی پور محمدی/ وزیر دادگستری
- ۶- حجت الاسلام و المسلمین سید محمد خاتمی
- ۷- دکتر سید مصطفی محقق داماد/ استاد دانشگاه شهید بهشتی
- ۸- دکتر محمد رضا عارف
- ۹- دکتر الهام امین زاده/ معاون حقوقی رئیس جمهور

- ۱۰- دکتر محمد باقر نوبخت/ معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور
- ۱۱- دکتر محمود نیلی احمدآبادی/ سرپرست دانشگاه تهران
- ۱۲- دکتر رضا داوری اردکانی/ رئیس فرهنگستان علوم
- ۱۳- دکتر حمید میرزاده/ رییس دانشگاه آزاد اسلامی
- ۱۴- دکتر فخرالدین اصغری اقمشهدی/ رئیس دانشگاه مازندران
- ۱۵- کانون سردفتران و دفتریاران
- ۱۶- اتحادیه سراسری کانون‌های وکلای دادگستری ایران (اسکودا)

بخش هشتم- سروده‌ها برای استاد

- ۱- ابوالفضل قاضی شریعت پناهی/ شادیانه
- ۲- محسن قرایی/ صدف دفتر تو
- ۳- احمد وثوق احمدی/ نقش بر آب
- ۴- مهدی مهدی زاده/ خیر مقدم
- ۵- محمد عابدی/ امیر عدل پرور
- ۶- اسماعیل حکیم الهی خوانساری/ به مناسبت چهلمین روز در گذشت استاد

بخش نهم- تصاویر و اسناد

پیام ریاست دانشگاه تبریز

دکتر محمدرضاپور محمدی

آسمان علم و دانش ایران همواره ستارگان درخشانی به خود دیده که در علم و عمل اسوه بوده‌اند و یکی از این اخترهای تابناک دکتر امیرناصر کاتوزیان است. مردی از جنس مردم که همه عمر خود را صرف اعتلای همه‌جانبه کشور و نهادینه شدن قانون در ایران نمود. پدرش از وکلای بنام زمان خود بود که بدستور رضا شاه از فعالیت در رشته وکالت منع شده بود، اما قریحه بلند و استعداد ذاتی پسرش را می‌شناخت و با تمام توان در راه تحصیل و تهذیب پسر می‌کوشید.

آزادگی و مبارزه با ظلم از خصایل بارز دکتر کاتوزیان بود و خود را با سلاح علم و دانش به درجه‌ای از قدرت رساند تا در مقابل دربار ایستاد و دعوت آنها را برای دریافت نشان درجه یک فرهنگ به خاطر برخورد نامناسب شاه با مصدق نپذیرفت و البته بهای آن را با لغو بورس تحصیلی‌اش پرداخت. این روحیه همواره در نهاد او بود، لذا باصدای انقلاب اسلامی مردم همراه شد و پس از انقلاب نیز در برپایی نظم در دانشگاه تهران بسیار موثر بود؛ حتی در فراز و فرودهای مختلف زندگی، لحظه‌ای از خدمت به جامعه علمی و جوانان ایران عزیز دست نکشید و آنقدر آثار گرانسنگ علمی خلق کرد تا امروزه نامش بر تارک علم حقوق ایران بدرخشد.

کاتوزیان فقط استاد حقوق نبود. با وجود تبحر و استعدادش در فیزیک و ریاضی، ادبیات را انتخاب کرد تا بتواند در رشته علوم سیاسی تحصیل کند و در وزارت امور خارجه شغلی برای خود فراهم نماید؛ ولی همین انتخاب از سر اجبار، بعدها شیفته ادبیاتش نمود و هیچ زمانی از مثنوی خوانی و سیر در دریای ادبیات دور نشد. در همان

دوران نوجوانی با مطالعه کتاب «سیرحکمت در اروپا» ذکاءالملک فروغی، با فلسفه جهان آشنا گردید و افقی تازه به رویش گشوده شد که تا آخر عمر مسحور آن بود و فهمید که ادبیات فقط پاره‌ای محفوظات نیست، بلکه سرشار از تدبر و تعقل است؛ به یقین از برکات همین دوران است که استدلال و فخامت، دو ویژگی قلم استاد و نشان بارز نوشته‌هایش بود. همچنان که خود گفته، سبک جدید انشای رأی را در دوران قضاوتش در محاکم ایران ایجاد کرد و در کنار فعالیت‌های علمی، از ورزش، هنر و شرکت در اجتماعات مختلف و همراهی با مردم غافل نشد.

بخت بلند استاد کاتوزیان درک محضر فضلالی برجسته و اساتید بزرگواری همچون محمود شهابی، حسن امامی، سنگلجی، موسی عمید بود و تلمذ و خوشه چینی از خرمن دانش آنان تبحر او را در حقوق به مرتبه‌ای رساند که در فرانسه و امریکا با اساتید بزرگ این علم هم مباحثه شود و بر غرور و عزت ایرانیان بیافزاید.

دکتر کاتوزیان تحقیق و پژوهش را بر هر کار اجرایی و پست و مقام ترجیح می‌داد، چنانچه از قبول مدیریت‌های مهم کشوری چشم‌پوشی کرد و افتخار آزاده زیستن و با مردم بودن را بر تمام نشان‌های کسب شده‌اش ترجیح داد تا در خاطره مردم ایران زمین ابدی شود و مدال افتخار را از آنان بگیرد که در دانشگاه‌های مختلف برایش مراسم تجلیل و بزرگداشت برگزار کنند. اینجانب ضمن قدردانی از تلاش دست اندرکاران این مراسم اعتقاد دارم این آیین‌ها نه تنها تجلیل از یک فرد، بلکه احترام به ساحت علم و دانش است و امیدوارم چنین مراسمی در همه کشور نهادینه شود.

آغاز سخن

حکایت اثر پیش رو غم‌انگیز و دردناک است. آنگاه که شوق وصال یار به جدایی انجامد و امیدها بر باد رود. چند روزی مانده به دیدار، معشوق روی از خیل عاشقان خود نهان کند و داستان دگرگون شود.

زلفت هزار دل به یکی تار مو بیست	راه هزار چاره گر از چار سو بیست
تا عاشقان به بوی نسیمش دهند جان	بگشود نافه‌ای و در آرزو بیست
شیدا از آن شدم که نگارم چو ماه نو	ابرو نمود و جلوه‌گری کرد و رو بیست
مطرب چه پرده ساخت که در حلقه سماع	بر اهل وجد و حال در های وهو بیست

قلم در جاری ساختن آغاز سخن ناتوان است. هر آنچه می‌خواست با حضور دوست در میان نهد، در فراق او بی‌معنی و گزافه است. انتظاری که پایان آن نزدیک بود، به دست تقدیر سر نرسید و مشیت خداوند حکیم حکایت دیگری رقم زد.

تبریز، نگین آذربایجان، مهد ادب و فرهنگ، در تاریخ پر فراز و فرود خود همواره پاسدار حرمت و اندیشه عالمان بوده و تلاش نموده است تا به این وظیفه جامه عمل پوشد. تکلیفی که در زمانه ما، گاه به فراموشی سپرده می‌شود، گاه به مانع بر می‌خورد، گاه مسیر خود را گم می‌کند و گاهی با تأخیر همراه است.

مدتی پیش بود که دانشگاه تبریز افتخار نکوداشت استاد دکتر محمد علی موحد، حقوقدان، مورخ، عرفان پژوه و مولوی‌شناس تبریزی را به نام خود رقم زد. در تداوم چنین تکلیفی دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز از مدتها پیش سودای برگزاری مراسمی در خور شأن و جایگاه برجسته پدر علم حقوق را در سر داشت و در صدد بود تا همزمان با قدوم استاد به خاک تبریز، سرمه چشم از غبار کفش او برگیرد و زینت خویش کند.

شهر تبریز است و جان قربان جانان می‌کند سرمه چشم از غبار کفش میهمان می‌کند
 شهر تبریز است و کوی دلبران ساربانان بار بگشا زاشتران
 شهر تبریز است و مشکین مرز و بوم مهد شمس و کعبه ملای روم
 شهر تبریز است و پیر روزگار سرگذشت او بهین آموزگار
 «شهریار»

ششم اردیبهشت ماه امسال مصادف با سالروز تولد استاد دکتر ناصر کاتوزیان، در معیت همکار ارجمندم دکتر حسن جعفری تبار، ملاقاتی با استاد در گرفت و به گرمی از دعوت دانشگاه استقبال نمودند و نیمه دوم مهرماه به عنوان ایام بزرگداشت تعیین شد و بدین سان برنامه ما با اجابت استاد کلید خورد.

در تدارک برنامه‌های شایسته و درخور، به عنوان بخشی از پاسداشت، انتشار کتابی تحت نام «ارج‌نامه استاد» در اولویت برنامه قرار گرفت و به این منظور از اساتید حقوق و فرهیختگان دعوت به عمل آمد تا با مشارکت خود سهامدار نکوداشت استاد باشند. این دعوت با استقبال بسیار روبرو شد و عاشقان و ره‌پویان طریق عدالت، فرصتی مناسب یافتند تا در تجلیل از پدر دانش حقوق ایران با یکدیگر شریک شوند و یافته‌های علمی خود را آورده این شراکت معنوی سازند.

هنگامی که مقالات نویسندگان به تدریج آماده و واصل می‌شد، به ناگاه خبر ناگوار بیماری استاد در اواخر مرداد ماه جامعه حقوقی کشور را در بهت و اندوه فرو برد و این واقعه در ۱۱ شهریور ماه ۱۳۹۳، به فراق همیشگی فرمانده سپاه عدالت با سربازانش منتهی گردید.

«وَلَا تَقُولْنَ لِمَنْ يُرَىٰ فَاعْلَمَنَّ إِنِّي فَعَلْتُ ذَلِكَ غَدًا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ» کهف/ ۲۳

هرگز درباره چیزی نگو فردا چنین می‌کنم، مگر اینکه بگویی اگر خدا بخواهد. ضایعه جبران ناپذیر فقدان استاد که پیش از برگزاری مراسم اتفاق افتاد، مجریان برنامه را متحیر ساخت، به گونه‌ای که بی‌حضور یار، اجرای برنامه را بر خود روا نمی‌داشتند و دل در حسرت گذشته داشتند.

بار غمی که شانه تهی کرد از او فلک این زلف و شانه خواهدم از دوش برگرفت
 یک تار موی او به دو عالم نمی‌دهند با عشقش این معامله گفتیم و سرگرفت
 چشمک زند ستاره صفت با نسیم صبح شمع دلی که دامن آه سحر گرفت

چون شعر خواجه تازه و تر بود شهریار شعر توهم که درس خود از چشم تر گرفت

اما این تمام حقیقت نبود، بلکه فقط جدایی جسم از دنیای فانی اتفاق افتاده بود. استاد همچنان نزد مشتاقان خود زنده و جاوید بود و تنها تن خاکی خویش را به آفریدگارش تسلیم نموده بود. بر اساس همین واقعیت بود که در همراهی و هم‌رأیی با خانواده مکرم استاد و تنی چند از یاران و دوستان، ضرورت اجرای برنامه پاسداشت مورد تأکید قرار گرفت و رکودی که بر برنامه مورد نظر مستولی شده بود، رخت بر بست.

سروش عشق تو یک نکته گفت درگوشم که بار هر دو جهان را فکند از دوشم
اگر چه وصل تو ممکن نمی‌شود، لیکن درین معامله تا ممکن است می‌کوشم
غم تو را به نشاط جهان نشاید داد این خریده خود را به هیچ نفروشم

«فروغی»

همسر گرامی استاد، سرکار خانم اقدس کاتوزیان و فرزند ایشان، مهندس بهزاد کاتوزیان از انگیزه بالا و شوق وافر استاد برای حضور در تبریز در روزهای پایانی حیات ایشان خبر می‌دادند که حتی در بستر بیماری نیز از ضرورت حضور خویش در دانشگاه تبریز و عمل به وعده خود سخن می‌گفتند. بزرگ مردی که حتی در واپسین لحظات زندگی پربارش، دغدغه وفای به عهد خویش داشت.

رفتی و در دل هنوزم حسرت دیدار باقی حسرت عهد و وداعم با دل و دلداری
عقده بود اشکم به دل تا بیخبر رفتی ولیکن باز شد وقتی نوشتی یار باقی کار باقی
کافر نعمت نباشم بارها روی تو دیدم لیک هر بارت که بینم شوق دیگر بار باقی
تو به مردی پایداری آری آری مرد باشد بر سر عهدی که بندد تا به پای دار باقی
شهریارا ما از این سودا نمائیم و بماند قصه ما بر سر هر کوچه و بازار باقی

با آنکه استاد فرزانه ما روی در نقاب خاک کشیده بود، بزرگداشت ایشان با تغییراتی همراه گردید. مسئولیت برگزارکنندگان مراسم در پاسداشت آن فرزانه علم و ادب رو به فزونی نهاد و ارج‌نامه استاد به یادنامه بدل شد.

سعدی به وصل دوست چو دستت نمی‌رسد باری به یاد دوست زمانی بسربری آری، پاسداری حرمت عالمان، پاسداشت علم و دانش است. تکلیفی است اخلاقی و پاسخی است به ندای وجدان. نکوداشت معلم نیز بر رهروان طریقت او وظیفه‌ای است که ارزش معنوی و اهمیت آن کمتر از تعلیم و تعلم نیست. نسلی که وامدار فرهیختگان خویش است، باید به تکریم عالمان همت گمارد و در مقام ایفای دین اخلاقی خود برآید. استاد برای جامعه حقوقی و علمی کشور به حد کفایت آشناست. تأثیرگذاری شگرف استاد در توسعه دانش حقوق به ویژه حقوق مدنی ایران بر هیچ کس پوشیده نیست و بسیاری از آثار ایشان سالهاست در مجامع علمی و دانشگاهی به عنوان منبع مرجع و درسی توسط سایر استادان حقوق تدریس می‌شود. بخشی از این کتاب به معرفی آثار استاد اختصاص یافته است و مرور آن نشانه عظمت کار استاد است.

مقاومت و ایستادگی در برابر ظلم و ستم از ویژگیهای بارز استاد است. جفاهای زمانه که فقط شمه‌ای از آن در کتاب خود استاد تحت عنوان «از کجا آمده‌ام، آمدنم بهر چه بود؟» به عنوان درس عبرتی برای مخاطبین خویش است و بخشی از آن نیز در زندگی‌نامه استاد در همین مجموعه پیش روی خوانندگان قرار گرفته است، هرگز به سکون اندیشه وی منتهی نگردید و اعتقاد او را به حق‌طلبی و انتخاب طریقی دیگر برای بیان عقیده و تفکر راسختر ساخت. هیچ مانعی نتوانست او را از مسیر حق جدا سازد. مدت زمانی به قضاوت پرداخت و در این مسئولیت، عدالت را معنی نمود و جانی تازه بخشید، اما عشق به تعلیم سبب شد تا استادی حقوق پیشه کند و شاگردانی را پرورش دهد تا رهروان طریقت او باشند؛ وانگاه که دانشگاه نیز این رادمرد را تاب نیاورد، گوشه کتابخانه برگزید و توسعه نظام حقوقی ایران را از طریق تألیف آثار ارزنده و ماندگار در کنج خلوت خود رقم زد و برای همیشه ثبت تاریخ این مرزو بوم گردید.

اما آنچه استاد را متمایز از دیگران می‌سازد، تواضع، فروتنی و اخلاقی است که در ورای این ایثار و از خود گذشتگی به عنوان خمیرمایه دانش او تلقی می‌شود. در هیچ یک از آثار ایشان جمله‌ای به نحو صریح و ضمنی نمی‌توان یافت که از مدار اخلاق و خشوع خارج باشد و در مقام معلمی نیز کلام استاد هرگز به طعنه یا کنایه‌ای آلوده نشده است. آری قلم و زبان او هرگز به بیراهه نرفت و بر صراط حق جاری بود.

استاد هرگز در طریق تألیف و تعلیم، به دنبال مقلد نبوده است. با آن که خود نیز از استادش مرحوم دکتر سید حسن امامی به نیکی یاد می‌کند، اما در بیان دیدگاه و نظر، ره تقلید در پیش نگرفته است. از شاگردان خویش نیز انتظار اطاعت و فرمانبری ندارد. او به دنبال و در جستجوی رهرو و سرباز عدالت است. این جمله زیبا زینت بخش کتاب بیع اوست:

ای عدالت، مرا در زمره عاشقان خود بپذیر و فیضی بخش تا سیمای تو را در پرده هر پندار و ریا بازشناسم.

من نیز در برابر سراسر منطق را به پای تو می‌ریزم و همه قوانین را به سوی تو می‌کشم؛ باشد که این معامله به هدایت اندیشه من و چیرگی تو بر لشکر ظلم انجامد.

نقش و جایگاه عدالت و انصاف در زندگی استاد برجسته و انگشت‌نماست. آنچه به اعتقاد حقیر چنین ویژگی استاد را سبب شده است، نگاه عمیق و ژرف ایشان به دانش حقوق از دریاچه‌های گوناگون است. استاد در طول دوران فعالیت خود، هر سه تجربه گرانقدر قضاوت، استادی و وکالت را آزموده است. هر چند کثرت فعالیت علمی و تحقیقاتی سبب شده بود تا وکالت را به کناری نهد و لحظات پر بار زندگی خود را به تحقیق و پژوهش اختصاص دهد. جایگاه برجسته عدالت در عمل (دوران قضاوت) و در نظر (آثار و کتب) از این ایده نشأت می‌گیرد که استاد همه منابع حقوق را به عنوان وسیله و ابزاری برای نیل به عدالت می‌بیند و آنها را هدف نمی‌انگارد و بر این اساس است که می‌نویسد:

«گاه نیز شوق برقراری عدالت مرا از حصار قوانین بیرون برده است ... سعی من بر این است که قوانین را محترم شمارم و نظم را نگاه دارم، ولی این شکیبایی نیز برای خود حادی دارد. همین که با ستمی آشکار روبرو شوم، در پشت سلهای شهرت و رسم و رویه قضایی و صنایع ادبی و منطقی فرو نمی‌مانم. از هر وسیله که علم حقوق در اختیارم نهاده است بر آن قاعده می‌کوبم تا از رونق و جلا بیفتند. اگر بتوانم از آن می‌گذرم و اگر چندان صریح باشد که وامانم، سرافرازم که با ظلم در افتاده‌ام. آسودگی‌ام آن جاست که غباری بر چهره عدالت نبینم ... چه کنم حرف دگر یاد نداد استادم»

نثر پخته و فاخر استاد، بی‌همتا و ستودنی است. چنان مخاطبین خود را مجذوب می‌کند که دل‌کنند و کناره نهادن سخن استاد پیش از اتمام آن میسر نمی‌شود. با اینکه کلام ساده و روان استاد دکتر سید حسن امامی در کتاب ارزشمند و همیشه ماندگار حقوق

مدنی او زبانزد است، اما نزد اهل ادب، نثر زیبای استاد، مخاطبان خود را به وجد آورده است. این نثر به ویژه در مقدمه‌ها و پیشگفتارهای آثار استاد جلوه‌گری می‌کند. تا آنجا که انتشارات دانشگاه تهران با چاپ کتابی تحت نام «گویاتر از گفتارها» مجموعه‌ای از مقدمه‌های استاد را به زیور طبع آراسته است، کتابی که در نوع خود منحصر بفرد و ناشی از نثر زیبای استاد است. بخشی از اثر حاضر به هنرنمایی‌های ادبی استاد در مقدمه‌ها و پیشگفتارهای آثارش اختصاص یافته است.

ما نیز در راستای وفای به عهد خود و در کنار برگزاری مراسم بزرگداشت، در فراق یار، اولین یادنامه استاد را تقدیم جامعه حقوقی کشور می‌کنیم. تکلیفی که ادای آن جز از طریق جمعی و با همکاری اهل نظر ممکن نمی‌نمود و همراهی و همیاری اساتید و فرهیختگان جامعه حقوقی کشور بود که زمینه ادای چنین دینی را فراهم ساخت و نهال کاشته شده سرانجام بی‌حضور باغبان بوستان علم و ادب بیار نشست.

این قدم بسیار کوچکی در مقام ایفای دینی بزرگ است که بر دوش جامعه حقوقی کشور و فرهیختگان همچنان سنگینی می‌کند. آری عظمت کار استاد است که بر دامنه چنین مسئولیتی می‌افزاید و ما را برای همیشه وامدار او می‌سازد. دینی که امکان برائت از آن سخت و دشوار است. به سختی تمام تلاشی که استاد در طول حیات خویش نمود و با ایثار و از جان گذشتگی، برگی بزرگ از تاریخ حقوق این سرزمین را ورق زد.

تو جانای بی‌وصالتش در چه کاری	به دست خویش بی‌وصلش چه داری
تو بودی در وصالتش در قماری	کنون تو با خیالتش در قماری
به هجر فخر ما شمس الحق و دین	ایا صبرا نکردی هیچ یاری
مگر صبری که رست از خاک تبریز	خورم یابم دمی زو بردباری

«مولوی»

ابراهیم شعاریان

دبیر مراسم بزرگداشت استاد

تبریز / ۱۲ آبان ۱۳۹۳

سپاس نامه

ابراهیم شعاریان

دبیر مراسم بزرگداشت

مجموعه پیش رو حاصل کاری جمعی است و بدون همیاری و همکاری دانشگاه تبریز، خانواده مکرم استاد دکتر ناصر کاتوزیان، استادان، فرهیختگان، دانشجویان و دوستان استاد هرگز به بار نمی نشست. شایسته است که از تمامی دست اندرکاران مراسم بزرگداشت استاد و همچنین تمام کسانی که ما را در انتشار این مجموعه یاری نمودند، سپاس و قدردانی به عمل آید:

۱- ریاست محترم دانشگاه تبریز جناب آقای دکتر محمدرضا پورمحمدی و هیأت رئیسه محترم دانشگاه که با حمایت همه جانبه خود امکان برگزاری مراسم بزرگداشت و چاپ کتاب حاضر و تمبر یادبود استاد را فراهم ساختند.

۲- همسر گرامی استاد، سرکار خانم اقدس کاتوزیان برای حمایت‌های بی دریغ ایشان

۳- فرزند گرامی استاد، جناب آقای مهندس بهزاد کاتوزیان برای همراهی‌های گرم ایشان

۴- معاونت محترم پژوهشی دانشگاه تبریز، جناب آقای دکتر محمد مقدم واحد

۵- ریاست محترم دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، جناب آقای دکتر حسین فخر

۶- ریاست محترم سابق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، جناب آقای

دکتر رجب ایزدی

۷- مدیر محترم گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی، جناب آقای دکتر

کمال‌الدین هریسی نژاد

۸- اساتید گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز

۹- اساتید و نویسندگان محترم مقالات اهدایی به استاد از دانشگاههای تبریز، تهران، شهید بهشتی، علامه طباطبایی، مازندران، اصفهان، آزاد اسلامی و سایر مجامع علمی و دانشگاهی

۱۰- جناب آقای دکتر واحد زمانی، شاگرد برومند استاد برای حمایتها و تلاشهای بی دریغ ایشان
۱۱- جناب آقای سعید جلالی، مدیر محترم انتشاراتی ستوده تبریز برای چاپ و نشر یادنامه استاد

۱۲- اعضای محترم انجمن علمی گروه حقوق دانشکده حقوق و علوم اجتماعی دانشگاه تبریز که بار اصلی مراسم را به دوش کشیده و در خور تقدیرند. از جمله آقای سعید یل هیکل آباد دبیر انجمن علمی گروه حقوق، آقای امین حاجیوند دبیر انجمن، و خانمها زهرا بحری، مهدیه جاهد، فاطمه حسین پور، صنم خدیوزاد، آسان لطفی و آقای ایرج علی پور و سایر دانشجویان حقوق دانشگاه تبریز که یاری رسان ما بودند.

بقیه صفحات کتاب در فایل موجود نیست.
جهت تهیه متن کامل کتاب به وب سایت انتشارات ستوده تبریز مراجعه فرمایید.